

اصل یگانگی نوع بشر مستلزم تغییری بنیادین در تار و پود ساختار اجتماع در سراسر  
عالم است.  
(پیام بیت العدل اعظم ۱۲ اسفند ۱۳۹۱)

## یگانگی بشر مستلزم تغییر بنیادین در ساختار اجتماع است

### قسمت روحانی

۱) مناجات شروع از آثار مرکز میثاق، حضرت عبدالبهاء

۲) ذکر دسته جمعی

۳) نصوص مقدسه حضرت بهالله

۴) از بیانات حضرت عبدالبهاء

### قسمت اداری

۵) اصل وحدت عالم انسانی (از آثار حضرت ولی امرالله)

۶) جریان دو گانه در عالم (بخشی از توقیع حضرت ولی امرالله)

۷) قسمتی از پیام ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم

۸) دو شرط اساسی برای ایجاد وحدت

۹) بخشی از بیانیه مرکز جهانی بهائی

۱۰) شور و پیشنهادات : (منظور از تغییرات بنیادی در ساختار اجتماع چیست و نقش هر یک از ما در ایجاد این تغییرات

کدام است)

### قسمت اجتماعی

۱۱) برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۲) الفت و پذیرائی

۱۳) مناجات خاتمه

## ۱) مناجات شروع

هُوَالله

ای پروردگار یاران را کامکار کن و به عبودیتت همدم و دمساز فرما قلوب را نورانی فرما و وجوه را رحمانی کن تا بنیان محبت و مهربانی در عالم انسانی تأسیس گردد و نوع بشر به یکدیگر مفتون و مهر پرور گردند شرق دست در آغوش غرب نماید فرنگ بی درنگ سبیل محبت پوید ترک تاجیک را همدم داند و هم آغوش و مهربان شمرد کل با هم در نهایت الفت و یگانگی معاشرت و مصاحبت نمایند بیگانگی نماند ذکر اغیار نشود و همدگر را آشنا و یار و غمگسار گردند ای پروردگار این شب تار را روز روشن فرما و این بغض و عداوت بین ملل را به انس و محبت مبدل کن تا عالم آفرینش آسایش یابد و جهان پر غرور از عالم الهی نصیب موفور جوید توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و درخشنده و بینا. ع ع (مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالباها ص ۵۱)

## ۳) نصوص مقدسه حضرت بهالله

- ۱- "اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزايد . آثار هرج و مرج مشاهده میشود چه که اسبابی که حال موجود است بنظر موافق نمی آید"  
(مجموعه الواح بعد از کتاب اقدس ص ۱۰۵)
- ۲- " لعمری سوف نطوی الدتیا و ما فیها و نبسط بساطاً آخر انه کان علی کل شیء قدیرا ."  
مضمون بیان مبارک به فارسی (بزودی دنیا را با آنچه در اوست در هم پیچیم و بساط دیگری بگسترانیم و خداوند بر هر چیز توانا است.) ( ندا به اهل عالم ص ۶۶ )
- ۳- مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق و آن حاصل نشود مگر به نصایح قلم اعلی. بیانش آفاق را به نور اتفاق منور فرماید. ذکرش نار محبت برافروزد و سبحات مانعه و حجابات حائله را بسوزد. (منتخباتی از آثار حضرت بهالله ص ۱۸۳)

#### ۴) از بیانات حضرت عبدالبهاء

در حیات جمعی انسانی ادواری مقرر و مراحل مقدّر آدمی زمانی مرحله ی صباوت را طی می کرد و هنگامی دوره ی شباب را و اینک به رتبه ی بلوغ و کمال ذاتی واصل که از قبل بدان بشارت داده شده بود و قرائن و شواهد از هر سو پدیدار. آنچه که در مراحل اولیّه ی تاریخ موافق احتیاجات انسان بود اکنون دیگر تکافوی نیاز این یوم بدیع و دور جدید را نمی نماید. عالم انسانی از حدودات ابتدائی رهیده و از تجارب مقدماتی پا فراتر نهاده. حال باید به قوی و استعدادات بدیع فائز گردد و به فضائل جدیده و اخلاق حمیده آراسته شود. مواهبی بدیع و عطایای عظیم مهیا تا بر او ارزانی گردد. موهبات و برکات دوره ی شباب هر چند در آن مرحله کافی می نمود ولی حال تکافوی احتیاجات دوران بلوغ را نمی نماید. (ترجمه)  
(جلوه مدنیّت جهانی ص ۹-۱۰)

#### ۵) اصل وحدت عالم انسانی

نباید اشتباه شود که اصل وحدت عالم انسانی که محور جمیع تعالیم حضرت بهاء الله است صرفاً منبعث از اظهار احساساتی ناسنجیده و بیان امیدی مبهم و نارسا نیست و نباید آنرا منحصرأ ناشی از آرزوی احیاء روح اخوت بشری و خیرخواهی بین مردم انگاشت و هدفش را فقط در این دانست که بین افراد بشر و ملل و اقوام تعاون و تعاضدی حاصل گردد بلکه مقصدش بسیار برتر و دعویش بسیار عظیم تر از آنست که حتی پیامبران پیشین مجاز به اظهارش بوده اند. پیامش فقط متوجه افراد نیست بلکه به روابط ضروریّه ای نیز مربوط میشود که ممالک و ملل را به هم پیوند میدهد و عضو یک خانواده بشری می نماید و چنان نیست که فقط مرامی را اعلان کرده باشد بلکه با تشکیلات و مؤسّساتی پیوستگی ناگسستنی دارد که قادر است اصل وحدت عالم انسانی را تجسم بخشد و صحت و اعتبارش را نمایان و تأثیر و نفوذش را جاودان می کند و نیز مستلزم آنست که در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی (ارگانیک) صورت پذیرد که شبهش را چشم عالم ندیده است. این اصل متضمّن مقابله ای دلیرانه و عمومی با معیارهای پوسیده افکار و مرامهای مّلی است که هر چند در زمان خود لازم و مجری بوده اند ولی حال به تقدیر پروردگار جای خود را به مبانی اعتقادی تازه ای داده که اساساً با اصول عقائد سابق متفاوت و از جمیع آنها برتر است. بلی اصل وحدت عالم انسانی خواهان تجدید بنیان جامعه و طالب خلع سلاح کشورهای متمدّن جهان است.

(نظم جهانی بهائی ص ۴۷-۴۸)

## ۶) جریان دو گانه در عالم

چون به دنیای اطراف نظر می اندازیم شواهد فراوانی از هیجان و جوش و خروش قهراً انظار ما را به خود معطوف می دارد که در جمیع قارّات کره ی ارض و در کلیّه ی شئون حیات بشری خواه مذهبی و خواه اجتماعی و چه اقتصادی و چه سیاسی دست اندر کار تطهیر و تجدید سازمان عالم انسانی است که به منزله ی تمهید سبیل برای حلول یومی بشمار می رود که در آن روز وحدت اصلیه ی نوع انسان شناخته گردد و اتحاد من علی الارض تحقق یابد. جریانی دوگانه را می توان تشخیص داد، که هر یک به طریق خویش و با نیروئی شتابنده در صدند قوائی را به حدّ اعلاّی اوج خود نزدیک سازند که اینک مشغول تغییر و تبدیل وجه عالمند. نخستین آن اصولاً جریانی ائتلاف دهنده و دومین آن اساساً متلاشی کننده است.

اولی همانگونه که بی وقفه تکامل می یابد دستگاهی را شکوفا می گرداند که به خوبی می تواند الگوی نظام جهانی گردد که دنیای آشفته و پر آشوب بطور مداوم در جهت آن در حال پیشروی است. دومی چون تأثیرات مخربه ی آن شدّت می یابد با خشونت فزاینده می خواهد موانع عتیقه و فرسوده ای را درهم کوبد که در صدد است در سبیل پیشرفت بشر در جهت هدف مقدرّ سدی سدید پدید آورد.

(جلوه مدنیت جهانی ص ۲۰)

## ۷) قسمتی از پیام ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ بیت العدل اعظم

اصل یگانگی نوع بشر که حضرت بهالله مقتضیات آن را اعلان فرموده اند فقط خواهان همکاری در بین مردمان و ملت ها نیست بلکه مستلزم نواندیشی کامل درباره روابطی است که به اجتماع تداوم می بخشد. بحران فزاینده ی محیط زیست که محرک آن نظامی است که تاراج منابع طبیعی را برای ارضای زیاده طلبی بی پایان بشری نادیده می گیرد گویای آنست که تصوّر کنونی نوع انسان از روابطش با طبیعت تا چه حد نارسا است؛ وخامت اوضاع خانواده همراه با افزایش نقض مداوم حقوق زنان و کودکان در سراسر جهان روشن گر آنست که عقاید کومه نظرانه ای که امروزه روابط خانوادگی را توصیف می کند تا چه اندازه فراگیر است؛ تداوم استبداد از یک سو و بی اعتنایی روز افزون مردم جهان به مرجعیت مشروع از سوی دیگر روشن می سازد که ماهیت روابط کنونی موجود میان فرد و نهاد های اجتماع برای بشریتی روبه بلوغ چقدر غیر قابل قبول است؛ تمرکز ثروت در دست گروهی کوچک از سکنه کره زمین نشان می دهد که روابط بین بخش های گوناگون اجتماع که اکنون به صورت جامعه ای جهانی در آمده چگونه از بنیان به غلط طرح ریزی شده است. اصل یگانگی نوع بشر مستلزم تغییری بنیادین در تار و پود ساختار اجتماع در سراسر عالم است.

## ۸) دو شرط اساسی برای ایجاد وحدت

حضرت عبدالبهاء برای تضمین ایجاد نظم الهی حضرت بهاءالله که هدفش حصول اتحاد نوع بشر و ترویج عدالت در حیات جمعی انسانی است وسائل و ابزاری را تعبیه فرمود که اجراء مقاصد و تعالیم مؤسس آئین بهائی را تضمین نماید. برای ایجاد وحدت و یگانگی حتی در ساده‌ترین سطح و مقام دو شرط اساسی لازم است. یکی آنکه طالبان اتحاد نخست باید درباره ماهیت حقیقت متفق باشند چه که این حقیقت در روابطشان با یکدیگر و با جهان خارج مؤثر است. دوم آنکه بر مرجعی مستند و شناخته‌شده توافق نمایند و از آن تمکین کنند، مرجعی که قادر باشد در باره روابطی که در آنان مؤثر است تصمیم بگیرد و اهداف و مقاصد عمومی و جمعی آنان را تعیین نماید.

(قرن انوار ص ۳۴)

## ۹) بخشی از بیانیه مرکز جهانی بهائی

تکامل سازمان اجتماعی مستلزم ورود عالم انسانی از مرحله صباوت به مرحله بلوغ است . بشر این مراحل را از واحد خانواده، در صور گوناگونش ، شروع کرده و با موفقیت بیش و کم توانسته است مراحل تشکّل قوم ، قبیله ، جامعه شهرنشین و سرانجام تشکّل ملت را طی کند . در این محیط اجتماعی که به تدریج وسیع تر و در عین حال پیچیده تر می شود استعداد های نهانی بشر موقعیت لازم را برای بروز و توسعه پیدا نموده اند و این توسعه و پیشرفت به نوبه خود باعث تغییر مداوم در بافت جامعه گردیده است ، بنابراین به بلوغ رسیدن عالم بشریت مستلزم تغییر کلی در نظام اجتماعی است . تغییری که باید همه انواع گونگیهای بشر را در بر گیرد و از انواع مختلف استعدادها و بینش ها که در طی هزاران سال تجربه فرهنگی تلطیف شده اند بهره جوید ....

حضرت بهاءالله تصریح می فرمایند که مهمترین وسیله برای ایجاد تغییر اجتماعی و رسیدن به وحدت عالم انسانی برقراری عدل و انصاف در امور جامعه انسانی است . این موضوع از ارکان اصلی تعالیم حضرت بهاءالله محسوب می شود ... حضرت بهاءالله در آثار بعدی خویش این اصل را در ارتباط با بلوغ عالم انسانی به نحوی صریح بیان فرموده اند . آن حضرت می فرمایند که : " انانث و ذکور عند الله واحد بوده " و از لوازم ضروری ترقی و پیشرفت تمدن آن که انتظام امور اجتماعی باید بر اساس اجرای این اصل باشد . منابع طبیعی کرهء خاک به همهء بشر تعلق دارد نه فقط به یک قوم خاص . پاداش افراد به میزان سعی و کوشش آنان در راه بهبود رفاه اقتصادی عموم جامعه بستگی دارد ، ولی ثروت و فقر مفرط که امروز گریبان گیر بیشتر ملل روی زمین است باید قطع نظر از نظام اجتماعی و اقتصادی حاکم بر این ملل از میان برداشته شود . (حضرت بهاءالله ص ۴۲)